ضمیمه هفتگی اندیشه
شماره ۷۱
۲۷ مهر ۱۳۸۴

دیگری در پی سو استفاده است، هر دو در حال آزمایشند و به زودی نتیجه کردار خود را خواهند دید. اعتقاد به خداوند و روز - زاما را مطمئن می‌سازد که نیکوکار هیچگاه ضرر نمی کند، زیرا بهره معنوی او از انجام کار نیک سرمایه‌ای معنوی و بهره‌ای روحی است که با خود به عالم جاوید خواهد برد.

امام خمینی (ره) دلیل ابتلای مومنین به بلا را بیشتر شدن ذکر، دعا و تضرع مومن و قلع ریشه محبت دنیا می داند که راس تمامی خطاهای بشری است و می‌فرماید: «حق تعالی عنایت، و الطافش به هر کس بیشتر باشد و مراحم ذات مقدس شامل حال هر کس زیادتر باشد، او را بیشتر از این عالم و زخارف آن پرهیز دهد و امواج بلیات و فتن را بر او بیشتر متوجه فرماید، تا اینکه روحش از این دنیا و زخارف آن منصرف و منزجر گردد و به مقدار ایمانش رو به عالم آخرت رود و وجهه قلبش متوجه به آنجا گردد. و اگر نبود لازم برای تحمل شدت ابتلا مگر همین یک جهت، هر آینه کفایت می کرد.»(۱۷)

یکی دیگر از نکات شدت ابتلا مؤمنین که در روایات به آن اشاره شده است رسیدن به درجات و مقاماتی معنوی است که بدون ابتلای به بلا هیچ امکان دسترسی به آن مقام وجود ندارد. در حدیثی امام صادق (ع) فرمودند: «گاهی بنده‌ای در نزد خداوند درجه و منزلتی دارد که بدان نمی‌رسد مگر به دو خصلت: یا به رفتن مالش، یا به رسیدن بلایی در جسمش.»(۱۸)

با این وجود، نه مقام صبر و نه مقام رضا منافاتی با دعا و استغاثه و حتی عرض شکایت به پیشگاه خود خداوند متعال ندارند. بنده نیازمند به گفتگو با معبود خویش است و این نیاز معنوی، نیاز به تغذیه دارد. از سیره انبیاء عظام و حضرات ائمه معصومین صلوات الله علیهم اجمعین، نیز چنین بر می‌آید که، دعا منافاتی با داشتن والاترین مقامات معنوی ندارد و مومن، هیچ گاه از دعا و تضرع در درگاه معبود خودداری نمی کند. «و این مخالف با مقامات روحانیه نیست، بلکه تذکر حق و انس و خلوت با محبوب و اظهار عبودیت و ذلت در پیشگاه عظمت، کامل مطلق غایت آمال عارفین و نتیجه سلوک سالکین است، بلکه ترک شکایت به سوی حق اظهار تجلّد و ظهور به دعوی است.»(۱۹)

وقتی که صبر ملکه راسخ وجود انسان شد، مقام رضا را در پی می‌آورد. دوام مقام رضا موجب مقام محبّت می گردد. صبر یکی از منازل و مراحل رهروان دین و از مقامات اهل توحید است و بواسطه آن بنده در صف مقرّبان بارگاه الهی در می‌آید، و به جوار پروردگار عالمیان واصل می‌شود. و خداوند بیشتر درجات و خیرات را به صبر نسبت داده است.

شیوه آراستگی به صبر

توجه به سرگذشت پیشینیان و تفکر در سیره پیامبران و امامان (ع) که مقربین درگاه الهی بودند و با این وجود بیشترین بلاها و مصایب را متحمل شدند در این زمینه تاثیر بسیاری دارد. خدای سبحان رسول خود را به آراستگی به صبر جمیل امر فرمود. صبر جمیل صبری است که با بردباری و تحمل همراه باشد و شخص بتواند با غلبه بر بی تابی خود، زمینه دوستی با خدای سبحان را آماده سازد. به فرموده قرآن کریم حضرت یعقوب نیز به دنبال صبر جمیل بود. شکوای مصائب و حوادث و آلام به سوی خداوند متعال منافاتی با صبر جمیل ندارد و درباره حضرت ایوب - علی نبینا و آله و علیه الصلوة و السلام - می‌فرماید «انّا وجدناه صابرا» ۳۸: ۴۴ (ما او را شکیبا یافتیم) و شکوای آن جناب را نقل می کند: «و ایوب اذ نادی ربّه انّی مسّنی الضرّ و أنت ارحم الراحمین» ۲۱: ۸۳ (و ایوب را به یاد آر هنگامی که به پروردگارش گفت همانا مرا آسیبی رسیده است و تو مهربان ترین مهربانانی) و با این رفع شکوایش به خدای تعالی او را می‌ستاید: «نعم العبد، انّه اوّاب» ۳۸: ۳۰ پس می توان گفت که شکایت به خداوند و رجوع به او به صبر، جمال و زیبایی می‌بخشد و صبر را متصف به وصف جمیل می گرداند و بر صابر مصیبت دیده و گرفتار بلا است که نزد خدای تعالی شکوه برد و از گرفتاری و مصیبت به سوی حضرتش شکایت آورد. امام خمینی میفرماید: «انبیا - صلوات الله علیهم - که معلم آداب عبودیت بودند، شکوه إلی الله تعالی را در شدائد و بلایا به ما آموخته‌اند و خداوند متعال بلایا و مصائب را نازل می کند تا مبتلایان و گرفتاران به سوی او شکوه برند - نه به غیر او - که در این صورت از صابرانند «و الله یحبّ الصابرین» ۳: ۱۴۶»(۲۰) همچنین اگر مصیبت دیدگان از زبان اهل بیت عصمت و طهارت بشارتها را بشنوند و در احادیث آنها تامل کنند، بیش از گذشته به فضل و رحمت الهی امیدوار خواهند شد. مانند حدیثی که از حضرت رسول اکرم مروی است که: «چون خدا بنده‌ای را دوست دارد او را در دنیا مبتلا می گرداند. پس اگر صبر کرد او را بر می گزیند. و اگر راضی و خشنود شد او را به مرتبه اصفیا می رساند.»(۲۱)

و فرمود که: «چون روز قیامت شود طایفه‌ای از امت مرا خدای - تعالی - بال و پر کرامت فرماید تا از قبرهای خود به بهشت پرواز کنند و در آنجا به نحوی که دلخواه ایشان است عیش و تنعّم نمایند. ملائکه به ایشان گویند: آیا شما موقف حساب را دیدید؟ گویند: از ما حسابی نخواستند. باز گویند آیا از صراط گذشتید و جهنّم را ملاحظه نمودید؟ گویند: ما هیچ چیز ندیدیم. ملائکه گویند: شما چه طایفه‌اید؟ ایشان گویند: ما از امّت محمّد - صلّی الله علیه و آله - ایم. ملائکه پرسند که: عمل شما در دنیا چه بوده است؟ گویند: در ما دو خصلت بود که خدا به فضل و رحمت خود ما را به این مرتبه رسانید: یکی آنکه: چون در خلوت بودیم از خدا شرم داشتیم که معصیت او را مرتکب شویم. و دیگر آنکه: به هر چه از برای ما قسمت کرده بود راضی بودیم. ملائکه گویند: پس سزاوار این مرتبه هستید.»(۲۲) سرانجام برای کسانی که بخواهند در زمینه چگونگی آراستگی به صبر، بیشتر بدانند شیوه‌ای عرفانی را از مرحوم علامه تهرانی نقل میکنیم: «چون در هنگام شدائد و مصائب و نزول بلایا و فتن، انسان می تواند به طرق مختلفی خود را تسکین دهد مثل اینکه متذکّر گردد که مرگ برای همه است و مصیبت به همه اشخاص وارد می شود و بدین وسیله کم کم خود را آرام می کند، ولی خداوند به وسیله طریقه احراقیّه و تلقین کلمه استرجاع (انّا لله و انّا الیه راجعون ۲: ۱۵۶) راه را کوتاه و مشکل را یکباره از میان برمی دارد زیرا اگر انسان متذکّر شود که خود او و هر چه از متعلّقات و ما یملک اوست ملک طلق خداست، یک روز به او داده و یک روز می گیرد و کسی را در آن حقّ دخالتی نیست، وقتی که انسان به خوبی ادراک کرد که از اوّل مالک نبوده است و عنوان ملکیّت برای او مجازی بوده و بدون جهت خود را مالک تخیّل می نموده است البتّه در صورت فقدان، متأثّر نخواهد شد، و توجّه به این نکته ناگهان راه را بر او هموار خواهد نمود.»(۲۳)

پانوشت

۱ - ترجمه صحیفه سجادیه (فیض الاسلام) ص ۱۲۵
۲ - شمرا ۸۸ - ۸۹ .
۳ - اصول کافی، ج ۲، ص ۱۶
۴ - چهل حدیث امام خمینی/ص: ۳۲۷
۵ - شرح مصباح الشریعه/حسن مصطفوی/ص: ۴۴
۶ - همان/ص: ۴۶
۷ - الأنوار الساطعة لشیخ جواد کربلایی/ج: ۱ ص: ۱۰۱
۸ - همان
۹ - زمر/۱۰
۱۰ - بقره/۱۵۵-۱۵۶
۱۱ - علم اخلاق اسلامی - ترجمه جامع السعادات مهدی نراقی/ ج: ۳ ص: ۳۶۱
۱۲ - نقطه‌های آغاز در اخلاق عملی امهدوی کنی/ص: ۴۵۹
۱۳ - اصول کافی، ج ۱، ص ۱۵۲
۱۴ - نقطه‌های آغاز در اخلاق عملی امهدوی کنی/ص: ۴۵۹
۱۵ - ۸۹ - ۲۷ - ۳۰
۱۶ - مجمع البحرین جزء ۴، ص ۲۷۶ ترجمه اخلاق ص: ۹۸
۱۷ - چهل حدیث امام خمینی/ص: ۲۴۰
۱۸ - اصول کافی ج ۲ ص ۲۵۲
۱۹ - چهل حدیث امام خمینی/ص: ۲۶۱
۲۰ - شرح مناجات شعبانیه/محمدی گیلانی/ص: ۱۴۴
۲۱ - معراج السعادة/احمد نراقی/ص: ۷۶۸
۲۲ - همان
۲۳ - رساله لب اللباب/علامه تهرانی/ص: ۱۲۶

در احوال اهل حدیث

محمد حسین طاهری

تاریخچه: در اوایل اسلام، مدتی نقل و ثبت حدیث منع شد و بعد از مدتی آزاد شد و جمعی به حدیث و اخبار نبوی اهمیت بسیار دادند که به آنان حدیث گرایان یا اهل حدیث می گفتند و در مقابل آنان اهل رأی و طرفداران استدلالات عقلی قرار داشتند. بزرگترین مبلغ اهل حدیث احمد حنبل بود و بعد از او ابوالحسن اشعری معتزلی بود که ناگهان با توجه به خوابی که دیده بود، ناگهان از تفکرات عقل گرایانه خود دست کشید و حدیث گرا شد و حتی در کتاب «الابانه عن اصول الدیانه» خود، تمام مطالب کتاب «السنه» احمد حنبل را مطرح کرد [illegible]

اصحاب حدیث فقط به حدیث عمل می کردند و هیچ دلیلی را بر حدیث ترجیح نمی دادند [illegible] ولی اصحاب رأی مهمترین [illegible] تحصیل قیاس و معانی استنباط شده از احکام بود، لذا گاهی قیاس را بر خبر واحد ترجیح می دادند و شاگردان [illegible] رهبر مذهب اجتهاد کنند و ممکن بود به نظری خلاف رسند.

بزرگان اهل حدیث

بزرگان آنان را می توان چنین برشمرد:

۱. ابوالحسن مقاتل بن سلیمان الأزدی [illegible]

۲. ابی عبدالله محمد بن کرام سجستانی [illegible]

[illegible]